مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲

Urban managment
No.73 Winter 2024

۷-۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

درآمدی بر ارتقای هویت در سیمای شهر با تأکید بر اندیشه اسلامی

راضیه لبیب‌زاده*: استادیار گروه معماری،دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،تهران، ایران.
مصطفی کرمی: دانشجوی دکتری معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،تهران، ایران.

چکیده

سیمای شهر بخش مهمی از تصویر ذهنی شهروندان از محیط زندگی‌شان را تشکیل می‌دهند و عدم توجه به آن هویت شهر با چالش‌های جدی مواجه می‌نماید؛ بنابراین هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های هویت‌بخش به فضاهای شهری و اولویت‌بندی آن‌ها در راستای ایجاد مطلوبیت می‌باشد. بدین منظور، در گام اول با استفاده از روش «تحلیل محتوا»ی کیفی، مبانی نظری تحقیق در سه بخش «چیستی عناصر هویت‌ساز»، «کجایی تجلی آن‌ها» و «چگونگی تداعی‌شان» به‌صورت معنایی و کالبدی استخراج گردید، بخش اول، مفاهیم هویت‌بخش به فضاها را معرفی نموده و بخش دوم حیطه نفوذ و تأثیر مفاهیم را معرفی می‌نماید، بخش سوم راهبرد تجلی محتوا در کالبد را مشخص کرد. در گام دوم مبانی مستخرج از مرحله قبلی با استفاده از روش AHP به‌صورت سلسله‌مراتبی تحلیل و وزن‌دهی شدند تا اولویت‌های معنایی و کالبدی جهت طراحی (اصلاح) سیمای شهری هویت‌مند به دست آیند. براساس یافته‌های مرحله اول ۴ سنجه محتوایی شامل «زیبندگی»، «امنیت»، «انسجام» و «تواضع» و ۳ سنجه کالبدی «کهن‌الگوهای فرهنگی»، «توجه به عوامل کالبدی بستر» و «کارایی» برای فضاهای شهری به دست آمد که می‌توانند در عناصر شهری راه، لبه، محله، گره و نشانه ظهور پیدا کنند (حیطه نفوذ)، هر عنصر شهری نیز دارای عوامل کف، جداره و سقف (خط آسمان) معرفی شد (حیطه تجلی). برای برهم‌نهی عناصر هویت‌بخش در کالبدهای شهری سه راهبرد شناسایی شدند که شامل «مجاورت»، «محاکات» و «تشابهات» هستند. بررسی‌ها گام دوم نیز مشخص کرد که در بین معیارهای فوق به ترتیب وزن مؤلفه «امنیت» در بین سنجه‌های معنایی، «استفاده از کهن‌الگوها» در بین سنجه‌های کالبدی، «راه» در بین عناصر شهر، «جداره» در بین عوامل سازنده راه و «محاکات و بازنمایی» برای تداعی سنجه‌های نسبت به بقیه مؤلفه‌ها بیشتر است، پس مهم‌ترین عامل برای هویت‌بخشی به فضاهای شهری بازنمایی الگوهای کهن در جداره راه‌ها به‌صورت ایمن می‌باشد.

واژگان کلیدی: فضاهای شهری، سیماشناسی، هویت‌بخشی، تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP).

* نویسنده مسؤول: R.Labibzadeh@gmail.com

Introduction to promoting Identity in the image of the city with an emphasis on Islamic Thoughts

Abstract

image of the city is an important part of shape the mental image of citizens about their living environment. Ignoring these frontages presents serious challenges to the city's identity. Therefore, the goal of this research is to identify the components contributing to the identity of urban spaces and prioritize them to enhance utility. In the first step, employing qualitative content analysis, theoretical foundations were extracted in three sections: "what constitutes identity-forming elements", "where they manifest" and "how they manifest" in both physical and semantic aspects. The first section introduces the concepts of identity to spaces, the second section introduces the scope of influence and impact of these concepts, and the third section specifies the strategy for manifesting content in the physical structure. In the second step, the extracted foundations from the previous stage were hierarchically analyzed and weighted using the Analytic Hierarchy Process (AHP) to determine the physical and semantic priorities for designing (or modifying) identity-rich urban frontages. Based on the findings from the first stage, ۴ content questions, including "Aesthetics", "Security", "Coherence" and "Humility" and ۳ physical questions, including "Cultural archetypes", "Attention to physical substrate factors" and "Efficiency" were obtained for urban spaces. These questions can be applied to the elements of the city such as path, edge, neighborhood, node, and landmark (realm of influence). Each city element is also characterized by the ground, frontage, and skyline factors (realm of manifestation). To overlay identity-forming elements into urban physical structures, three strategies were identified: "Proximity", "Mimesis" and "Similarities". The second phase of the analysis showed that among the above criteria, the weight of the "Security" component among meaningful questions, "Use of cultural archetypes" among physical questions, "Path" among city elements, "Frontage" among path-building factors, and "Mimesis" and representation" for manifesting questions are relatively higher compared to other components. As a result, the most crucial factor for enhancing the identity of urban spaces is the safe representation of archetypes patterns in the frontages of paths.

Keywords:Urban Spaces, Physiognomy, Identity, Analytic Hierarchy Process (AHP)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

مقدمه

شهر به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشر در طول تاریخ است، به واسطه آن محیطی برای گردهمایی همنوعان پدید آمد، اهمیت شهر به حدی است که واژگان مدنیت و تمدن با ریشه گرفتن از آن (مدن) مفاهیمی فراتر از شهرنشینی و زندگی شهری پیدا کرده‌اند و در معجم‌های معاصر با تلفظ «مَدَنیَّهٔ» از ریشه «مدن» با هیئت صناعی به معنای پیشرفت و آبادانی استعمال شده است (ابن‌خلدون، ۱۳۹۰، ۱۲۹) و یا با تلفظ «تَمَدُن» از همان ریشه «مدن» به معنای دوری گزیدن از جهل و نادانی بیان شده است (بستانی، ۱۴۲۲ ق، ۲۵۸). در کتاب تاریخ تمدن نوشته شده: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، نوعی از نظم اجتماعی دانست که درنتیجه آن خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود» (دورانت، ۱۳۸۰، ۴) و دارای دو جنبه مادی و معنوی است، جنبه مادی آن فنی و صنعتی است و جنبه معنوی آن مربوط به روابط انسانی انسان‌هاست (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۶۹). علاوه بر این، واژه شهر اشاره به محیطی است که شرط مطلوبیت آن آرامش و آسایش شهروندان است تا مایه‌های خوشبختی خویش را بیابند و اسبابی را جهت محقق ساختن هویت آرمانی‌شان فراهم آورند (العاملی، ۲۰۰۹، ۱۶). شاید بتوان مهم‌ترین ابزارها برای هویت‌سازی در شهر را «امنیت (مادی و معنوی)»، «استقرار»، «اقتصاد»، «سلامت (روحی و جسمی)» و «غنای فرهنگی» بیان کرد (العاملی، ۲۰۰۹، ۱۷).

از آنجایی که دغدغه هویت تنها به انسان‌ها اختصاص دارد، کل بحث باید از دریچه دید آدمی با عنایت به محیط اطرافش مطرح شود، انسان بر مبنای ادراکی که از واقعیت‌ها یا پدیده‌های محیط دارد سه راه‌حل در مواجهه هویت‌مند با آن‌ها انتخاب می‌کند: پذیرش محیط و تطبیق دادن خود با آن، دخل و تصرف در محیط جهت اصلاح آن براساس هویت خویش و درنهایت بریدن از محیط، حالت آخر اتفاقی است که از آن به عنوان «بحران هویت» یاد می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۴، ۳۷). با توجه به این مسائل می‌توان اهمیت سیمای شهری به عنوان یکی از عناصر سازنده شهر که نقش مؤثری در «سلامت روحی»، «امنیت معنوی» و «غنای فرهنگی» مخاطبان شهر دارند را تبیین نمود. نقشی که موجب دل‌بستگی انسان به محیط شده و از ایجاد بحران هویت جلوگیری می‌نماید.

با توجه به مسائل فوق، هدف این مقاله شناسایی مؤلفه‌های هویت‌بخش به سیمای شهر، تعیین دامنه نفوذ این مؤلفه‌ها به‌صورت کالبدی و اولویت‌بندی ترتیب اهمیت آن‌ها در دو جنبه محتوایی و فیزیکی است. برای این امر، در محور اول پژوهش کیفیاتی که موجب این‌همانی محیط هویت‌مند می‌شود، شناسایی شده و در محور دوم محل فیزیکی ظهور کیفیات معنایی مرحله قبل تعیین می‌شوند، در مرحله سوم نیز تلاش خواهد شد طریقه تداعی مؤلفه‌های مفهومی در کالبد روشن شود. روش تحقیق در این مراحل «تحلیل محتوای کیفی» و «استدلال منطقی» است تا با کمک آن سنجه‌های هویت‌بخش، محل تجلی و راهبرد تداعی‌شان

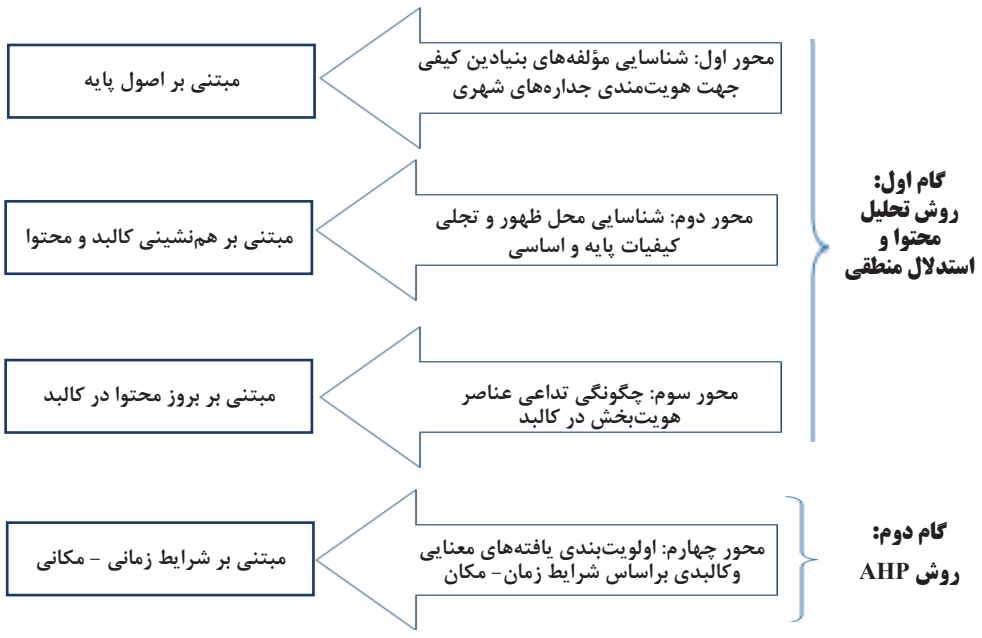

نمودار ۱. محورهای اصلی ساختار پژوهش

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

امتیازدهی شوند؛ بنابراین ضروری است که سنجه‌هایی همسو با تصویر ذهنی مخاطبان شهر اولویت‌بندی گردند، روش تحقیق در گام دوم (محور چهارم) تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) یافته‌های دو مرحله قبلی است تا درجه اهمیت‌شان مشخص گردد، بنابراین این پژوهش استوار بر دوگام اصلی و چهار محور فرعی مطابق نمودار ۱ خواهد بود، با توجه به اینکه کیفیات محور اول مبتنی بر ارزش‌های پایه است، عمیق‌ترین بخش خواهد بود، محور میانی (دوم و سوم) مختص به کالبدهاست (حیطه تجلی کیفیات محور اول است). با توجه به اینکه اولویت‌بندی‌ها ممکن است براساس شرایط زمان و مکان با تغییرات سریع‌تری مواجه شوند، به عنوان محور پایین معرفی شده‌اند.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

با توجه به اهمیت شهر و مؤلفه‌های وابسته به آن تحقیقات مختلفی در این زمینه با ابعاد و زمینه‌های گوناگون شکل گرفته است. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌ها می‌توان به کتاب «سیمای شهر» نوشته کوین لینچ (۱۳۹۵) اشاره کرد. از نظر لینچ شهر با گذشت زمان سیمای خود را پیدا می‌کند و با تسلسل زمان نَشو و نما می‌یابند، در این امر هم عوامل ثابت و هم عوامل متحرک (انسان‌ها و متعلقاتشان) مؤثر هستند، انسان‌ها ناظر و جزئی از شهر هستند، پس ممکن است که سیمای شهر ثابت باشد، اما دیدگاه انسان‌ها نسبت به آن تغییر نماید. مهم‌ترین کیفیت هر شهر نیز خوانایی و نمایانی بیان شده است، به صورتی که شهر ناخوانا موجب گم‌گشتگی مخاطب خود خواهد شد (لینچ، ۱۳۹۵، ۱۱-۳۱). همچنین عناصر کالبدی مؤثر در کتاب سیمای شهر پنج عامل «راه»، «گره»، «لبه»، «نشانه» و «حوزه» معرفی شده است (لینچ، ۱۳۹۵، ۹۰-۹۳). کالن در کتاب «گزیده منظر شهری» برای تشریح مفهوم منظر شهری به ویژگی‌های بصری مانند زمین، شکل، کاربری و نحوه بهره‌برداری اشاره می‌کند و از طرف دیگر ویژگی‌هایی را بحث می‌کند که در ارتباط با درک، احساس و ارزش‌های معنوی بودند (کالن، ۱۳۹۵، ۲۸-۵۸) درواقع او یک جنبه کالبدی و یک جنبهٔ غیرکالبدی (معنایی و معنوی) را برای منظر قائل می‌شود و در پی یکپارچگی بصری و ساختاری محیط‌های شهری است (کالن، ۱۳۹۵، ۱۹۳). سایمون بل (۱۳۸۲) منظر شهری را یک فرآیند از تجربه و سکونت انسان در محیط اعلام می‌کند و بیان می‌دارد که این امر دارای دو حوزه فیزیکی و غیرفیزیکی (ادراکی) است (بل، ۱۳۸۲، ۹۱). منصوری (۱۳۸۳) نیز با تکیه بر مبانی معرفی شده توسط کالن و بل منظر شهری را فهم شهروندان از شهر بیان می‌کند که به واسطه ادراک نمادهای کالبدی آن می‌توانند معانی ذهنی خودشان را تداعی کنند و یا خاطرهای را یادآور شوند (منصوری، ۱۳۸۳، ۹۴)؛ بنابراین می‌توان دو عامل کالبدی و معنایی را نیز در تعریف منصوری از منظر شهری استنباط نمود. اهمیت سیمای شهر از آن رو است که امکان قرائت محیط را به‌مثابه یک متن فراهم می‌آورد. تنها در آینه سیمای شهر می‌توان ابعاد ناملموس منظر شهری نظیر حیات مدنی، فقر و غنا، سلطه نهادها و ارزش‌های معین، سلایق زیبایی‌شناختی، عمق تاریخی شهر، میزان ایمنی و امنیت جامعه، چگونگی احترام به قراردادهای اجتماعی و غیره را مشاهده کرد، این مشاهده از طریق انتظام نشانه‌ها امکان تجلی و بروز یافته و ارزیابی مثبت و منفی را میسر می‌سازد (گلکار، ۱۳۸۷، ۱۱۰). آتشین‌بار (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تداوم هویت در منظر شهری» سعی در بررسی مقوله هویت در شهر داشته و بیان می‌کند که «هویت تفسیری است که انسان از ارتباط خود با تاریخ در گذر زمان ارائه می‌دهد و منظر شهری نیز به عنوان پدیده‌ای عینی- ذهنی که با کالبد و خاطره شهر پیوند خورده، از این قاعده مستثنی نیست» (آتشین‌بار، ۱۳۸۸، ۵۴). بحرینی در کتاب «تحلیل فضاهای شهری: در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی» با استفاده از روش توصیفی به تحلیل گره‌های شهر تهران پرداخته و نتیجه‌گیری می‌نماید، رفتار مردم در فضاهای شهری ریشه در فرهنگ دارد و محیط و فضا به عنوان عنصر ثانویه در رفتار تأثیر می‌گذارند که نقش بازدارنده یا محرک (در رفتارها) را دارند (بحرینی، ۱۳۹۲، ۶۲).

علاوه بر مطالعات فوق، محور دوم این پژوهش به مقوله هویت وابسته است، هویت در لغت به معنی شخصیت، ذات، هستی و وجود منسوب به «هو» می‌باشد، هویت یعنی حقیقت شیئ یا شخصی که مشتمل بر صفات جوهری وی باشد و باعث تشخیص «این از آن» گردد (عمید، ۱۲۰۶،۱۳۷۵). صدرالمتالهین شیرازی هویت هر موجودی از نحوه خاص وجود او می‌داند و می‌گوید: در انسان، هویت واحدهای است که متشان به شئون مختلف می‌شود (ملاصدرا به نقل از لبیب‌زاده، ۱۴۰۱، ۱۹۹). هویت یک فرایند است، نه یک «چیز یافت شدنی»، شاید بتوان آن را به ردپایی تشبیه کرد که یک تمدن در طول حرکتش از خود بجای می‌گذارد و به‌صورت ناخودآگاه شکل می‌گیرد و نمی‌تواند مصنوع یا عاریه باشد (کورئا، ۸۲،۱۳۸۷). در باب مسئله هویت و محیط (معماری)، صاحب‌نظران مختلف عقاید خود را بیان داشته‌اند و مؤلفه‌های مختلفی برای این مفهوم در نظر گرفته‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۷۹، ۸۳؛ کامل‌نیا، ۱۳۸۴، ۶۷؛ تقوائی، ۱۳۹۱، ۶۵). والتر بور (۱۳۷۵) از جمله صاحب‌نظران در زمینه هویت محیطی است، از نظر وی، هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دل‌بستگی و حساسیت محیط را به وجود می‌آورد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

(دانشپور، ۵۵،۱۳۸۳). کریس ابل (۱۳۸۷) در کتاب «معماری و هویت» ضمن پرداختن به پیچیدگی‌های هویت انسان، هویت موجود در شهرهای مدرن و صنعتی را رد می‌کند و هویت معماری را وابسته به سیستم‌های ارتباطی و کانال‌های اجتماعی- تعاملی بیان می‌دارد. لینچ (۱۳۹۵) برای هویت دو کارکرد مهم در نظر می‌گیرد: کارکرد اول حس تشخیص نامیده می‌شود، به عبارتی هویت به انسان قدرت تشخیص می‌دهد و به وی کمک می‌کند تا بتواند محیط را بخواند و پیش‌بینی کند. اگر محیط فاقد هویت (حس تشخیص و تمایز) باشد، قابل خواندن نیست. کارکرد دوم لینچ برای هویت محیط، عملکرد عاطفی محیط است. از نظر راپاپورت (۱۳۹۰)، هویت خصوصیتی از محیط است که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند و می‌تواند شامل خصوصیات فیزیکی نظیر شکل، ابعاد، تزیینات، سبک ساختمانی و امثالهم باشد، یا فعالیت‌های خاص جاری در محیط و یا عملکردهای یک محیط را بیان نماید. الکساندر یکی دیگر از اندیشمندانی است که در زمینه هویت محیطی به اظهارنظر پرداخته است. به عقیده او هنگامی هویت در محیط متجلی می‌شود که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط حاصل شده باشد (سلسله، ۱۳۸۸، ۵۳). نقره‌کار و علی‌الحسابی (۱۳۹۶) در کتاب «تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی» با رویکردی اسلامی، سه مؤلفه اصلی برای ظهور هویت در محیط‌های مصنوعی (معماری و شهرسازی) را بدین شرح معرفی می‌نمایند: ۱-تجلی ایده‌ها و آرمان‌های معماران در کالبد، ۲- حضور انسان‌ها در محیط و نوع اعتقادات مردم، ۳- اعمال فردی و اجتماعی مخاطبان، مجموع این سه مؤلفه می‌تواند مبین هویت یا چیستی محیط باشد؛ بنابراین، هویت برای انسان، باوری است که به مدد ایمان شکل می‌گیرد و سازنده و پردازنده کردار و رفتار اوست و از اصولی پیروی می‌کند که از سوی پروردگار صادر شده و از طریق وحی به انبیا، به انسان ابلاغ می‌گردد، این اصول سازنده شخَصیت و هنجارهای اجتماعی اوست، بر همین اساس هویت در آثار پدیده‌ای خلق‌الساعه نبوده و در تکمیل تدریجی کسب می‌شود (حجت، ۱۳۸۴، ۵۹). پس معماری دارای هویتی است که از یک‌طرف بیانگر ارزش‌های حاکم بر جامعه بوده و از طرف دیگر مبین ارزش‌هایی است که جامعه به آن‌ها تمایل دارد. همچنین معماری بیانگر عوامل هویت فرهنگی پدیدآورنده آن است (طبسی، ۳۶۹،۱۳۸۶) و آنچه اثر را در نگاه «عموم» با هویت جلوه می‌دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویت جمعی و پایدار است (حجت، ۵۸،۱۳۸۴). با توجه به اینکه مقوله هویت در معماری در پی نمایش تجلی مفهوم در کالبد است، می‌توان از آن به عنوان «هویت معنوی» نام برد، هویت معنوی مرتبه‌ای از هویت است که علاوه بر اشاره به وجوه معنوی باورها و اعتقادات، مشتمل بر مبانی مستفاد از آثار و ساخته‌های انسانی است؛ یعنی این مقوله از هویت، شامل اصول و ارزش‌های مورد باور جامعه - که در شکل ظاهر زندگی مادی آن‌ها تجلی می‌یابند - می‌گردد (خسروی، بمانیان و سیفیان، ۲۱،۱۳۹۱). با توجه به اینکه این مقاله در پی دستیابی به مؤلفه‌های پایه و هویت‌ساز در سیما و جداره‌های شهری است، بخشی از پیشینه موضوع در قالب مبانی نظری تحقیق ارائه خواهد شد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به رویکرد آن از نظر هدف، بنیادین قلمداد می‌شود که با توجه به ماهیت آن در رده پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، مبانی و مؤلفه‌های کیفی تحقیق براساس نظرات خبرگان به مقیاس‌های کمی برای تعیین وزن هرکدام مبدل گشته است، بنابراین تحقیق پیش رو از نوع تحقیقات عمل‌گرا می‌باشد (خاکی، ۱۳۹۶، ۲۸). روش کسب معیارهای کیفی گام اول بر مطالعات اسنادی و تحلیل محتوا استوار گردیده است. در گام دوم مؤلفه‌های استخراج شده گام اول دسته‌بندی و در مصاحبه با خبرگان صحت‌وسقم مبانی کیفی بررسی و سپس به‌صورت زوجی و سلسله‌مراتبی (AHP) وزن‌دهی شدند. در این روش انتخاب تعداد شرکت‌کنندگان براساس برآورده ساختن کفایت و دستاورد تحقیق می‌باشد. بدین‌جهت از میان متخصصین حوزه هویت شهری شهر تهران به منظور پاسخ به پرسشنامه در قالب مقایسات زوجی، تعداد ۱۰ نفر به روش گلوله برفی انتخاب شده و پس از چند مرحله مصاحبه با ایشان در خصوص ماهیت تحقیق و میزان تسلط ایشان پیرامون موضوع، تعداد ۵ نفر که هم دارای تخصص، تجربه و دانش لازم در حوزه مربوطه بوده و هم حاضر به ادامه همکاری تا انتهای پژوهش بوده‌اند، انتخاب گردیدند. داده‌ها حاصل از این مرحله با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice به‌صورت کمی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و ضریب سازگاری هر مرحله روشن شد. در این پژوهش ترکیبی از دو تفکر استقرایی و قیاسی قابل استنباط است، این سبک از تفکر اجازه می‌دهد که منابع مختلف از داده‌ها در یک روش سامان‌مند استفاده شوند (چری، ۱۳۸۸، ۵۱). در نمودار ۲ می‌توان ساختار روش تحقق را مشاهده کرد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

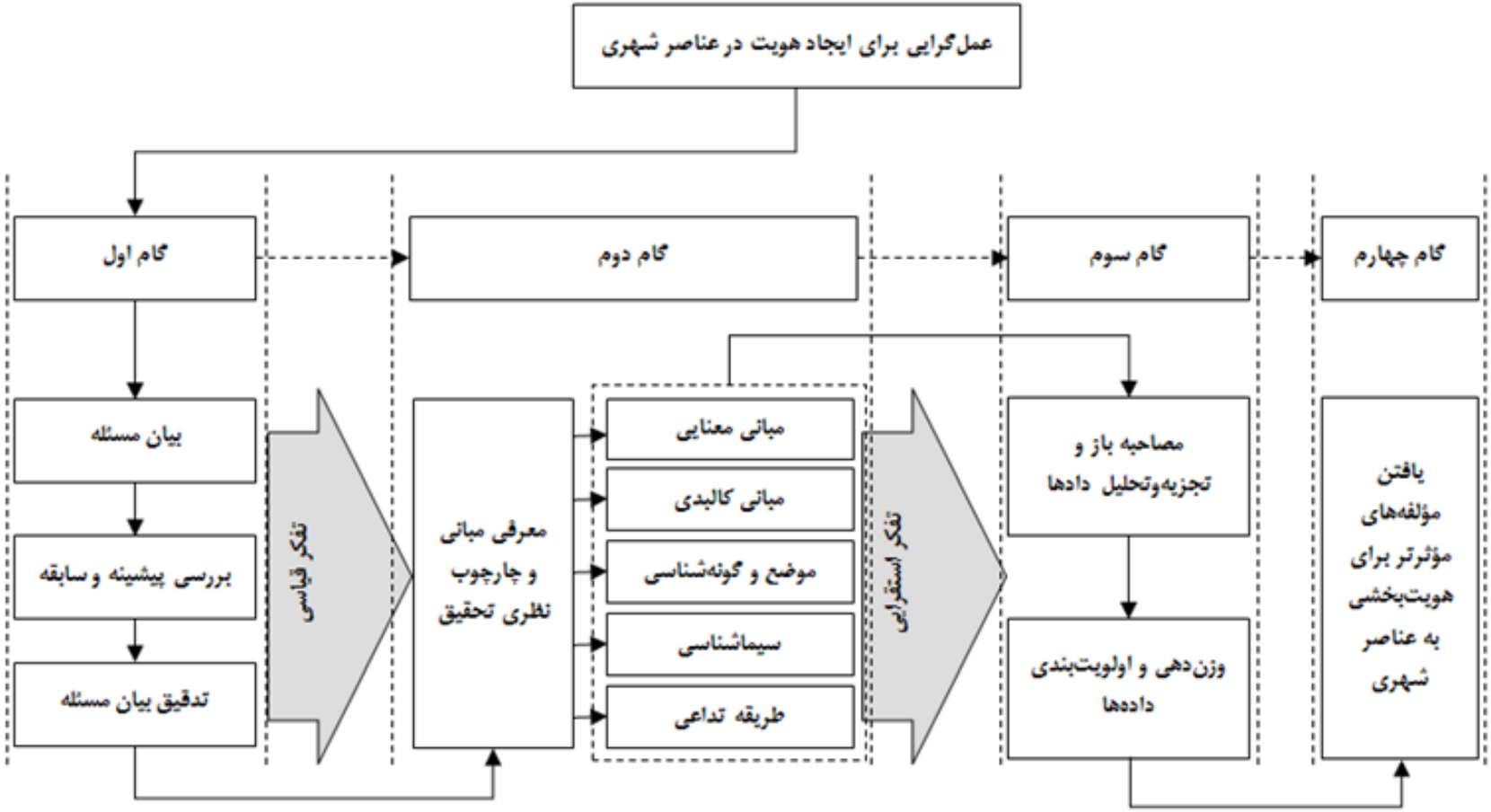

نمودار ۲. مدل ساختاری پژوهش.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

هویت محیط و مؤلفه‌های هویت‌ساز آن

پس مرور تعاریف لغوی و فلسفی هویت و طریقه تعامل آن با معماری، ضروری است که هویت و مؤلفه‌های تجلی‌بخش آن با بیانی سلیس مورد خوانش قرار بگیرد، اما قبل از آن می‌بایست به «عینیت»، «ذهنیت» و «تصویر ذهنی» پرداخت.

محیطی که انسان را احاطه کرده است، مجموعه‌ای از واقعیت‌هاست که به‌صورت بالقوه امکان ارتباط با مخاطب را دارند. مخاطبان نیز برحسب شرایط خود، ادراکشان، انگیزه‌ها و ابزاری که در اختیار دارند بخشی از واقعیت‌های محیط را درک می‌کنند، به عبارتی دیگر، بخشی از واقعیت‌های محیط از حالت بالقوه خارج کرده و به‌صورت بالفعل درمی‌آورند، این مجموعه از اطلاعات که منجر به ادراک یک پدیده می‌شوند «عینیت» نام دارد، پس عینیت وابسته به کالبد مکان و ادراک انسان‌هاست، از طرفی با توجه به اینکه واقعیت‌های مکان اطلاعات یکسانی ارسال می‌کنند، انسان‌ها نیز (در شرایط عادی) دستگاه ادراکی نسبتاً مشابهی دارند و تحت نظام مشترکی در محیط مشترک نسبت گزینش اطلاعات محیط اقدام می‌کنند، بخش زیادی از آن اطلاعات را در رده عینیت مشترک می‌توان قرار دارد که عینیت جمعی نامیده می‌شود (نمودار ۳)، (قاسمی، ۱۳۹۴، ۴۵).

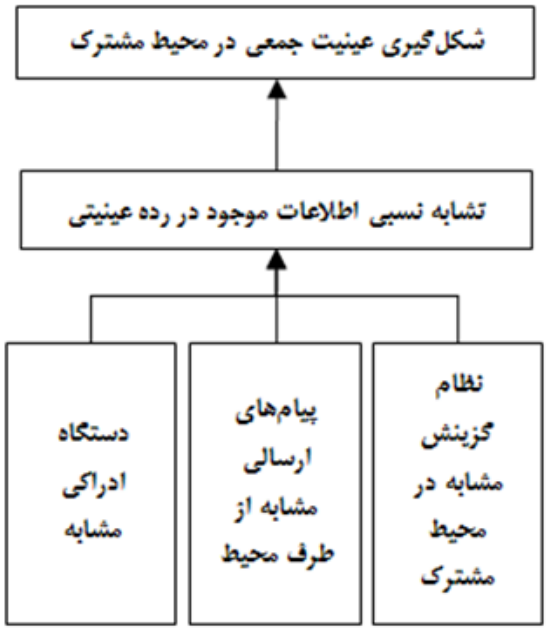

نمودار ۳. دلایل شکل‌گیری عینیت جمعی در یک محیط مشترک (مأخذ: قاسمی، ۱۳۹۴، ۴۵).

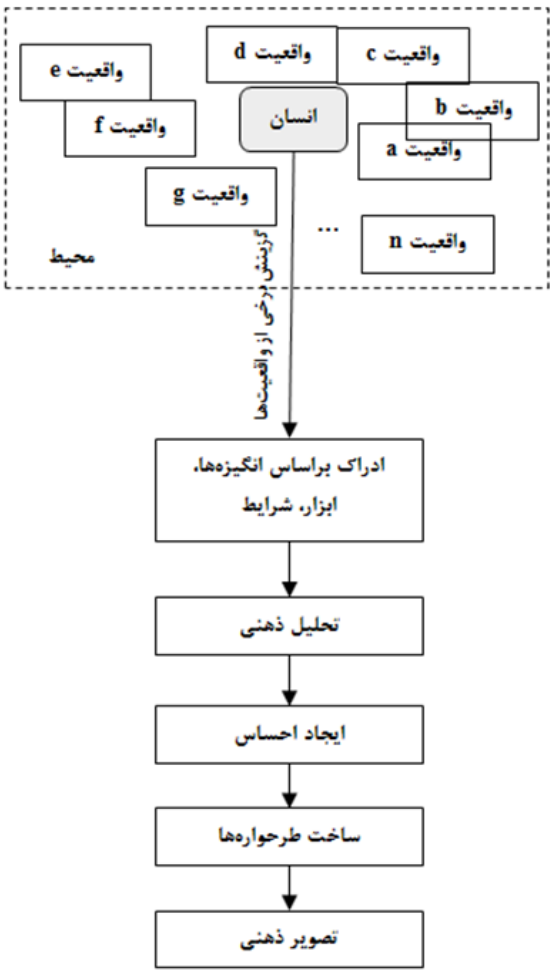

نمودار ۴. روند تبدیل واقعیت‌های محیطی به تصویر ذهنی. (مأخذ: با اقتباس قاسمی، ۱۳۹۴: ۷۰).

سیر تبدیل یک پدیده به تصویر ذهنی شامل قرارگیری در محیط مملو از واقعیت‌ها، ادراک برخی از واقعیت‌ها، تحلیل ذهنی آن‌ها و ساختن عینیت، ایجاد احساس نسبت به عینیت، ساخت طرحواره‌های ذهنی و نهایت برهم‌نهی طرحواره‌ها و ایجاد تصویر ذهنی است (نمودار ۴). از طرفی با توجه به اینکه مقوله «شناختن» یک پدیده در تصویر ذهنی مطرح می‌شود، می‌توان گفت که یک پدیده وابسته به تصویر ذهنی مخاطب و تعریف اول از آن پدیده هویت می‌یابد. بدین ترتیب فرد یا افراد تصویر ذهنی خود را با یک عینیت کالبدی تطبیق داده تا فرآیند قیاسی «تشخیص هویت» را انجام دهند، عدم ارتباط مابین افراد و فضا موجب حادثه‌ای به نام بحران هویت می‌گردد (قاسمی، ۱۳۹۴، ۶۹). پس به نظر می‌رسد که هرچه تصویر ذهنی مخاطب با عینیت پدیده دورتر باشد، آن پدیده بدون هویت تلقی شود و برعکس، انطباق میان عینیت و تصویر ذهنی موجب

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

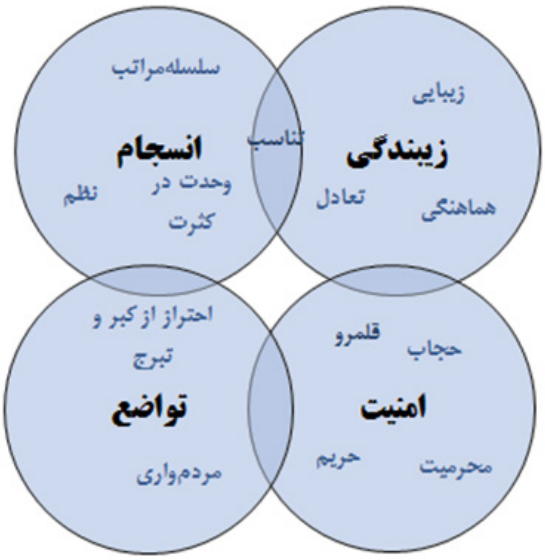

تصویر ۱. دسته‌بندی مؤلفه‌های محتوایی هویت‌بخش به معماری در چهار دسته کلی.

هویت‌مند شدن یک پدیده گردد و افراد آن پدیده را جزئی از هویت خود می‌دانند و هنگام مواجه با آن، «این را به مشابه همان» چیزی می‌دانند که در هویتشان است، یعنی فرد با عین مزبور احساس «این‌همانی» می‌کند (پاکزاد، ۱۳۷۵، ۱۰۲)؛ یعنی می‌توان گفت که مخاطب تصویر ذهنی خود را با کالبد پدیده مقایسه کرده و در صورتی که درک کند پدیده مذکور همان فضای آشنای در ذهن‌اش است، هویت آن را احراز می‌کند؛ بنابراین برای «هویت‌مند ساختن سیمای شهر»، ضروری است که مؤلفه‌هایی استخراج شوند که در ذهنیت مخاطبان آشنا بوده و موجب شکل‌گیری احساس این‌همانی جمعی شود.

کارل گوستاو یونگ تجربه جمعی بشر را با نوعی «کهن‌الگو» یا آرکی‌تایپ مطرح کرد که در ناخودآگاه جمعی افراد قرار دارد (ضمیران، ۱۳۷۹، ۱۸). آرکه اشاره به پدیده‌ای میان اسطوره و فلسفه دارد که مفهوم اسطوره‌ای منشأ و مفهوم فلسفی اصل را نشان می‌دهد (کاسیرر، ۱۳۷۸، ۴۲) تصاویر آن از ناخودآگاه جمعی نشأت می‌گیرد، ناخودآگاهی که اسرارآمیز و غیرقابل تعریف است، آن‌ها بر افراد نفوذ دارند و بر افکار، احساسات و الگوهای رفتاری ایشان مؤثر هستند و به صورت‌های مختلفی بر معماری مؤثر بوده‌اند (بهنود، ۱۴۰۱، ۲۷۱) بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان با رجوع به مفاهیم و الگوهای کهن در معماری گذشته برخی از مؤلفه‌های آشنا در اذهان مخاطبان جهت ایجاد این‌همانی را استخراج نمود. با توجه به اینکه آثار معماری ایران در دوره‌های کهن و تاریخی دارای هویتی متداوم بوده است (اردلان، ۱۳۹۳، ۳۳)، می‌توان کالبدهای هویت‌محور و سنتی آن را بازخوانی و احکامی در این راستا استنباط نمود. در معماری اسلامی- ایرانی اصولی چون «سلسله‌مراتب، وحدت در کثرت، حریم و قلمرو، حجاب و محرمیت، احتراز از کبر و تبرج، تعادل و تناسب، و هماهنگی، زیبایی و کمال‌جویی، امنیت و نظم» وجود دارد که «در هر دوره‌ای» و «با هر ابزاری» قابلیت تجلی دارند. علاوه بر این، برخی از مؤلفه‌ها به عنوان نمودهای کالبدی تجلی هویت در معماری اسلامی- ایرانی هستند. این مؤلفه‌ها شامل «تکرار و تکامل الگوهای قبلی»، «استفاده از نمادهای ملی و مذهبی»، به‌کارگیری «معماری بومی و زمینه‌گرا» و «تزئینات» به همراه «اصول پنج‌گانه معماری ایرانی» یعنی: «مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درون‌گرایی و خودبسندگی» هستند، با توجه به اینکه ارزش‌های پایه زیربنای کالبد معماری هستند و براساس اصل وحدت در عین کثرت، تمام عناصر تشکیل‌دهنده معماری اسلامی هم‌راستا بوده و در پی یک هدف ایجاد شده‌اند می‌توان عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی- اسلامی را به‌صورت نمودار ۵ نشان داد (لبیب‌زاده، ۱۴۰۱، ۲۰۵). این مؤلفه‌ها پدیده‌هایی کهن بوده که در ذهن مخاطبان ایرانی آشنا بوده و موجب احساس این‌همانی برای ایشان می‌گردند؛ اما باید به این نکته توجه کرد که عناصر مذکور در معماری فضاهای داخلی مطرح شده‌اند که مقیاسی به مراتب کوچک‌تر از فضاهای شهری دارند، بنابراین می‌توان مؤلفه‌هایی مثل زیبایی، هماهنگی، تعادل، تناسب و را در یک دسته کلی‌تر با عنوان «زیبندگی» معرفی کرد. علاوه براین با توجه به اینکه مقوله‌هایی مانند قلمرو، حریم، حجاب و امثالهم در فضاهای شهری از نظر ساختاری تعریف متفاوتی با فضای معماری دارند، می‌توان آن‌ها را تحت عنوان «امنیت» دسته‌بندی کرد، از طرفی مفهوم وحدت در کثرت، نظم، تناسب و سلسله‌مراتب نیز قابلیت

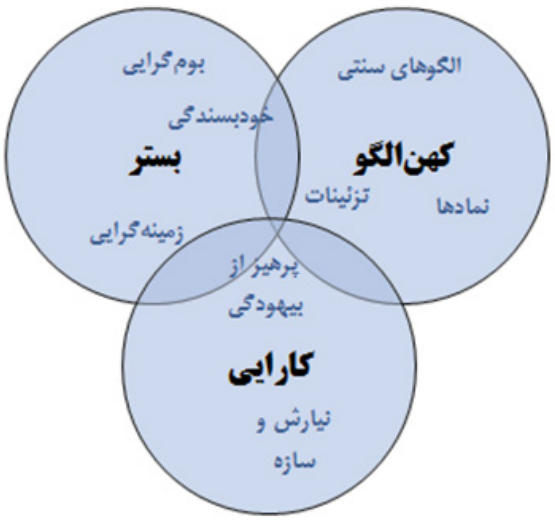

تصویر ۲، دسته‌بندی مؤلفه‌های کالبدی هویت‌بخش به معماری در سه دسته کلی‌تری.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

قرارگیری در یک دسته کلی‌تر با نام «انسجام» را دارند، همچنین می‌توان احتراز از کبر و تبرج و مردم‌واری را با عنوان «تواضع» نام‌گذاری کرد (تصویر ۱). در بین مؤلفه‌های کالبدی نمودار ۵ نیز می‌توان تکرار الگوهای گذشته، استفاده از نمادها و تزئینات را با عنوان کلی‌تر «استفاده از کهن‌الگوها» معرفی نمود، معماری بومی و زمینه‌گرا نیز با درون‌گرایی و خودبسندگی در یک دسته تحت عنوان «توجه به عوامل کالبدی محیط» قرار می‌گیرند، بر همین اساس می‌توان نیارش و پرهیز از بیهودگی را «کارایی» نامید (تصویر ۲)؛ بنابراین مؤلفه‌های بیست‌گانه فوق را می‌توان در دو دسته محتوایی و کالبدی به‌صورت جداگانه قرار داد، به صورتی که «زیبندگی»، «امنیت»، «تواضع» و «انسجام» به عنوان ابرمؤلفه‌های محتوایی و «به‌کارگیری کهن‌الگوها»، «توجه به بستر کالبدی محیط» و «کارایی» به عنوان ابرمؤلفه‌های کالبدی معرفی می‌شوند (نمودار ۶). به نظر می‌رسد که به‌کارگیری این مؤلفه‌ها در سیمای شهر می‌تواند موجب هویت‌بخشی به فضا شود؛ اما نکته قابل‌توجه حوزه نفوذ کالبدی این موارد است، یعنی مشخص گردد که این مؤلفه‌ها به چه میزانی و در چه مکانی استفاده شوند. برای این امر ضروری است که عناصر سازنده و مؤثر بر سیمای شهر مشخص گردند.

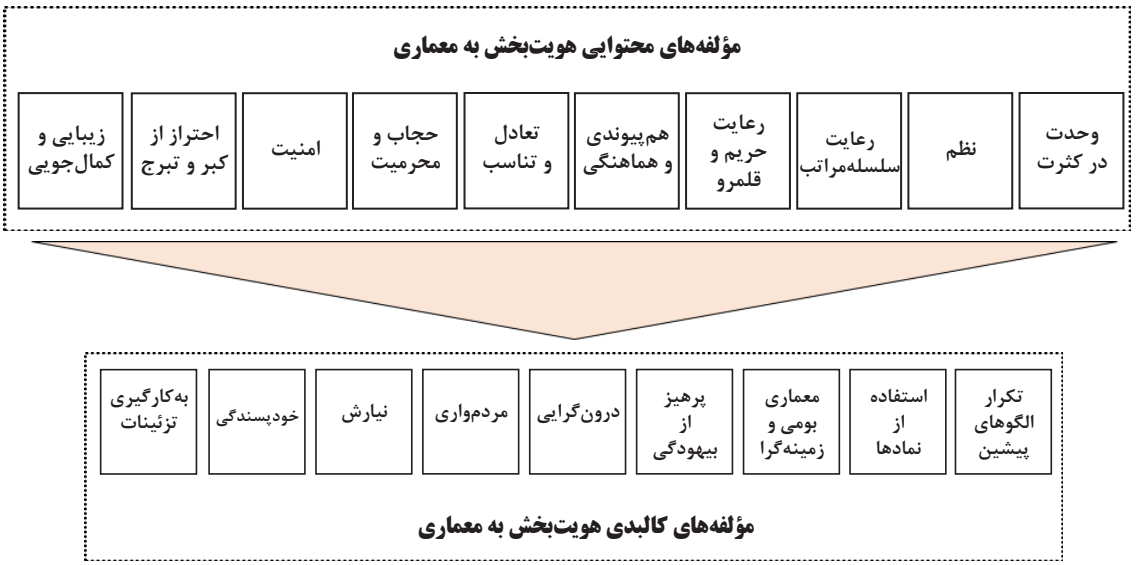

نمودار ۵. عناصر محتوایی و کالبدی هویت‌ساز در معماری ایرانی- اسلامی. به طریقی که مؤلفه‌های محتوایی عامل بالادستی در شکل‌دهی به مؤلفه‌های کالبدی (ردیف پایین) بیان می‌شوند. (مأخذ: لبیب‌زاده، ۱۴۰۱، ۲۰۵).

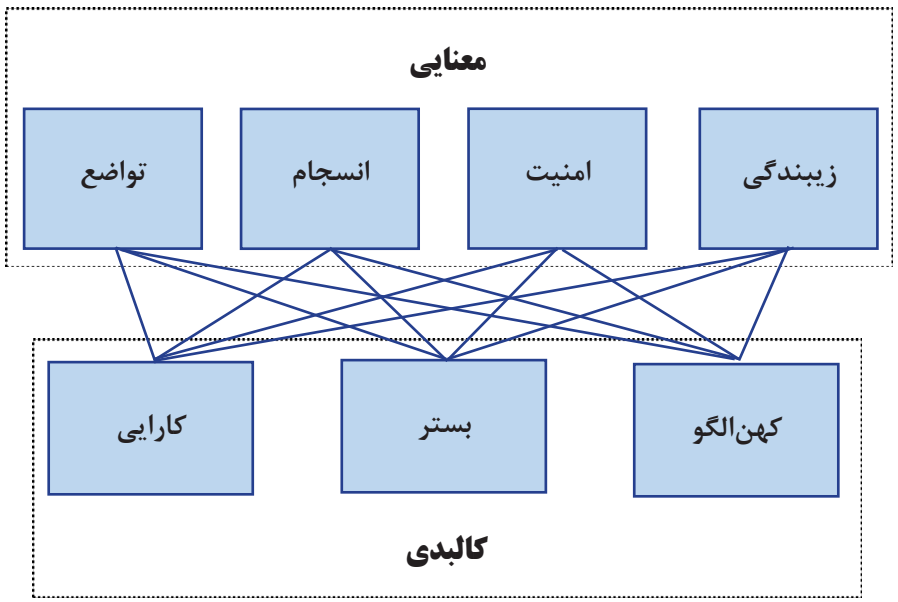

نمودار ۶. ابرمؤلفه‌های محتوایی و معنایی برای هویت‌بخشی به عناصر معماری و شهرسازی.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

حوزه نفوذ مؤلفه‌های هویت‌ساز در کالبد سیمای شهر

در مرحله پیشین، مشخص شد چه چیزی می‌تواند موجب هویت‌بخشی به سیمای شهر شود، اما اینکه این مؤلفه‌های در چه عنصری و کجا ظهور پیدا کنند بخش دیگری از مبانی نظری پژوهش را تشکیل خواهد داد؛ یعنی این بخش مشخص می‌نماید عناصری هویت‌مند در چه مواضعی (موضع‌شناسی) و چه گونه‌ای (گونه‌شناسی) از عناصر شهری تجلی پیدا کنند (شولتز، ۱۳۹۵، ۴۰).

همان‌گونه که بیان شد، عینیت‌ها و تصور ذهنی مخاطبان از پدیده‌ای پویاست، بر همین منوال، سیمای یک شهر نیز ممکن است برای مدتی ثابت بماند، اما اجزا آن دائماً در حال تغییر هستند و با گذشت زمان نشو و نما می‌یابند، به هرحال آنچه در یک محیط شهری از اهمیت زیادی برخوردار است وضوح بصری یا «خوانایی» آن است، بدین معنا که در یک شهر به‌راحتی بتوان اجزای آن را شناخت و آن‌ها در قالبی به هم‌پیوسته پیوند داد (لینچ، ۱۳۹۵، ۱۲). خوانایی صفحه‌ای روشن، زنده و پیوسته از شهر ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که مخاطب تحت هیچ شرایطی تصور ذهنی خود از شهر را از دست ندهد (لینچ، ۱۳۹۵، ۱۸)، در این گزاره منظور از تصویر شهر شامل سه جزء: «علائم مشخصه، بافت و معنی» می‌باشد. به صورتی که «علائم مشخصه» شامل عناصری کالبدی است که دارای صفات خاص خودش است و به آن فردیت و وحدانیت می‌دهند (لینچ، ۱۳۹۵، ۲۲) یا به بیانی بهتر موجب بازشناسی و تشخص آن عنصر شود، به این معنا که بتوان پدیده‌ای را براساس تجارب و دانش پیشین از سایر پدیده‌های غیرهم‌سنخ بازشناخت، این پدیده را نباید با تشخص اشتباه گرفت، چون مراد از تشخص این است که بتوان پدیده را از سایر پدیده‌های هم‌سنخ متمایز ساخت (قاسمی، ۱۳۹۴، ۳۷). منظور از «بافت» این است که رابطه فضایی و شکلی آن با ناظر و سایر عناصر کالبدی دیگر مشخص شود و در آخر «معنا» یعنی اینکه آن پدیده برای ناظر واجد معانی احساسی خاصی باشد (لینچ، ۱۳۹۵، ۲۲)؛ یعنی می‌توان گفت که اولین شرط هویت داشتن عناصر شهری (از جمله سیمای شهر) ظهور کالبدی آن‌ها به وسیله علائم خاصی است و پس از آن می‌توان ارتباط آن‌ها با سایر پدیده‌ها و خود ناظر را تبیین کرد تا بتوان معانی مدنظر را بیان کرد. بنابر اعتقاد لینچ (۱۳۹۵) معماران می‌توانند علائم مشخصه و بافت را طراحی کنند ولی استنباط مخاطب از معانی طرح بدون دخالت مستقیم طراح است (لینچ، ۱۳۹۵، ۲۳). همچنین عوامل کالبدی شهر که می‌توان در آن‌ها به علائم مشخصه را طراحی کرد و بافت داد تا معنا از آن‌ها استنباط شود شامل: «راه، نشانه، لبه، گره و محله» هستند، بدین‌صورت که راه‌ها پیونددهنده عناصر شهر هستند و مردم به شرط حرکت در آن‌ها می‌توانند سیمای شهر را ادراک نمایند، لبه‌ها حدود دیگر عوامل را تعیین می‌کنند اما محورهای توازن و تقارن نیستند، هرچند که عامل لبه به اندازه راه در سیمای شهر مهم نیست، اما آن چیزی است که در شهر «سروسامان» ایجاد می‌کند، قسمت‌های از شهر که واجد دو بُعد هستند، محلات نامیده می‌شوند، هرچند از نظر مخاطبان آن‌ها از راه‌ها و لبه‌ها تشکیل شده‌اند. گره‌ها در شهر کانون‌هایی برای مبدأ و مقصد حرکت هستند و درواقع نمادی برای تمام محله است، البته لازم به ذکر است که تصور وجود گره در شهر از یک جانب به وجود راه‌ها وابسته است و از جانب دیگر به وجود محله‌ها، لبه‌ها در تعیین حدود گره‌ها نیز نقشی اساسی دارند، در آخر نشانه‌ها نیز عواملی هستند که در تشخیص قسمت‌های مختلف شهر یا محله به مخاطبان کمک می‌کنند، با این توضیح که ناظر به درون آن‌ها راه نمی‌یابد، نشانه‌ها ممکن است دارای مقیاس شهری (مثل تک برج یا گنبدی بزرگ) یا محله‌ای (مثل درختان، علائم راهنمایی و رانندگی یا نمای یک فروشگاه) باشند (لینچ، ۱۳۹۵، ۹۲). با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان گفت در این پنج مؤلفه کالبدی که ساختار شهر را می‌سازند، آنچه که قرابت بیشتری با جداره‌های شهری دارد، با عنوان «لبه» نامیده شده است، چون مخاطبان با حضور در راه‌ها لبه‌های راه را مشاهده می‌کنند و با حرکت در آن‌ها توالی لبه‌ها را می‌توانند ببینند، اهمیت لبه‌ها به حدی می‌تواند زیاد باشد که نشانه‌ای برای یک محله شود و خصوصیات منحصربه‌فردی برای آن محله ایجاد نماید. با توجه به اینکه گفته شد لبه‌ها حدود دیگر عوامل را تعیین می‌کنند، بنابراین می‌توانند به‌صورت افقی یا عمودی در ساختار شهر ظهور پیدا کنند؛ یعنی به چگونگی شکل مصنوع مربوط هستند و در قالب تفصیل صوری انسجام می‌یابند که همواره با عنایت به هستی بین زمین و آسمان یعنی ایستادگی، برخاست و گشودگی آن‌ها صورت می‌پذیرند، در اینجا ایستادن مبین وابستگی به زمین و برخاست برای بیان وابستگی به آسمان بکار می‌رود، گشودگی نیز به نفوذ متقابل دو محیط یعنی وجود ارتباط بین درون و بیرون اطلاق می‌شود که شامل جداره، کف و سقف هستند. در فضاهای شهری این عوامل باید «این جا»یی بودن یک شهر و حال و هوای آن را تعریف نمایند، در بین عوامل بیان شده (جداره، کف و سقف) جداره‌های شهری به خاطر ثبت مضامین دیداری که در «این جا» رخ می‌دهند عنوان مرز اصلی فضاهای شهری را به خود اختصاص می‌دهند، کف شهر فاقد این عملکرد بوده و بیشتر به‌صورت زمینه‌ای خنثی نقشی وحدت‌بخش بازی می‌کند. سقف شهر را عموماً آسمان تشکیل داده است اما ظاهر آن به خط آسمان ساختمان‌ها وابسته است (شولتز، ۱۳۹۵، ۸۹)، بنابراین می‌توان گفت که عوامل کالبدی شهر (راه، لبه، محله، گره

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

و نشانه) برای اینکه دارای علائم مشخصه و بافت شوند باید به عناصر جداره، کف و سقف (خط آسمان آن‌ها) وقوف پیدا کرد، پس به نظر می‌رسد که محل تجلی مؤلفه‌های پایه در مرحله قبلی جداره، کف و سقف عوامل کالبدی شهر یعنی راه، لبه، محله، گره و نشانه می‌باشد (نمودار ۷).

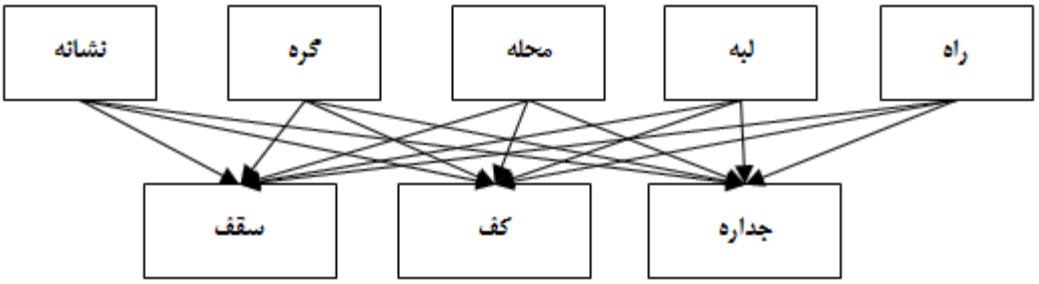

نمودار ۷. عوامل پنج‌گانه کالبدی سازنده شهر و عناصر سازنده هرکدام.

چگونگی تداعی مؤلفه‌های هویت‌مند در کالبدها

پس از اینکه مشخص شد چه چیزهایی می‌توانند موجب هویت‌مند شدن سیمای شهر شوند و محل تجلی آن‌ها چه عوامل و عناصری باشد، باید مشخص گردد که از چه طریقی می‌توان عناصر هویت‌مند در سیمای شهر را تداعی کرد. به نظر می‌رسد که تداعی به سه طریق ممکن باشد:

اول) مجاورت: هرگاه دو چیز به‌صورت توأمان یا پی‌درپی فرد یا افرادی را مخاطب قرار دهند، حضور یکی، دیگری را تداعی می‌کند، این مجاورت می‌تواند زمانی یا مکانی باشد یعنی دو چیز از نظر مکان هم‌جوار باشند یا دو رویداد هم‌زمان اتفاق بیافتند. البته ذهن باید این مجاورت را ادراک کرده و برای آن عینیت ساخته باشد (مثلاً فردی با شنیدن صدای اذان، مسجد خاصی برایش تداعی می‌شود، یا با استشمام بوی کاهگل یاد خانه‌ای سنتی می‌افتد)، (قاسمی، ۱۳۹۴، ۷۷)

دوم) مشابهت: اموری که ذهن میان آن‌ها مشابهت تشخیص می‌دهد به واسطه یکدیگر تداعی می‌شوند (قاسمی، ۱۳۹۴، ۷۷)، به بیانی دیگر می‌توان گفت با تکرار شکلی یا فرمی یک عنصر می‌توان مؤلفه‌ای که در ذهن مخاطب عینیت یافته را تداعی کرد.

سوم) محاکات: محاکات ترجمه فارسی اصطلاح یونانی «ممسیس» که به معنی عرضه دوباره، متجلی کردن، وانمودن و بازنمایی است. به‌طور کلی مقصود از این واژه اساس هنر گرته‌برداری، نسخه برداشتن و مانندسازی از آفاق‌وانفس است و همواره با تصرف هنرمند همراه است، حال این تصرف می‌تواند زیباتر از اصل قبلی یا زشت‌تر از آن باشد (شمیسا، ۱۳۸۸، ۵۴).

بنابراین به نظر می‌رسد از سه طریق می‌توان نسبت به تداعی عینیت‌هایی آشنای مخاطبان در جداره‌های شهری اقدام نمود، از طریق مجاورت یک عنصر با عنصری جدید تا برای مورد تازه‌تر بتوان هویت ساخت، دوم از طریق تکرار و تشابه یک عنصر قدیمی و سوم از طریق بازنمایی و محاکات یک عنصر هویت‌مند مبتنی بر شرایط زمان و مکان جدید (نمودار ۸).

نمودار ۸. سه روش تداعی عناصر هویت‌ساز در جداره‌های شهری.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

مواد و روش‌ها

در گام دو پژوهش پس از یافتن مؤلفه‌های مؤثر بر هویت‌مندی عناصر شهری، محل تجلی و ظهورشان و طریقه تداعی‌شان، می‌بایست وزن هرکدام از موارد مشخص و اولویت‌بندی شوند. همان‌گونه که بیان شد هدف اصلی تحقیق شناسایی مؤلفه‌های هویت‌بخش به عناصر شهری و اولویت‌بندی آن‌ها در راستای ایجاد مطلوبیت می‌باشد، پس برای رسیدن به آن، معیارها در پنج لایه شناسایی شدند، به صورتی که لایه‌های اول مرتبط با چهار معیار کیفی و محتوایی شامل زیبندگی، امنیت، انسجام و تواضع است (هرکدام از این ابرمعیارها شامل معیارهای می‌باشد). لایه دوم شامل تکرار کهن‌الگوها، توجه به عوامل محیطی و کارایی است (که همچون لایه قبلی هر مؤلفه از زیرمؤلفه‌هایی تشکیل شده است). لایه سوم را عوامل کالبدی سازنده شهر تشکیل می‌دهند و شامل راه، لبه، محله، گره و نشانه (موضع‌شناسی و گونه‌شناسی) است این لایه محل اصلی ظهور کیفیات هویت‌ساز را مشخص می‌کند، لایه چهارم عناصر سازنده عوامل قبلی هستند که مشتمل بر جداره، کف و سقف است (سیماشناسی)، یعنی به‌صورت جزئی مشخص می‌شود که کدام مؤلفه در کدامیک از عناصر شهری اهمیت بیشتری دارد، لایه پنجم و نهایی نیز راهکار تداعی لایه اول و دوم در لایه سوم و چهار را معلوم می‌سازد و بیان می‌دارد که راه تداعی چیست (مجاورت، مشابهت یا محاکات) (نمودار ۹). برای این امر ضروری است که سنجه‌های به دست آمده در نمودار ۹ با استفاده از روش AHP یا فرآیند سلسله‌مراتبی اولویت‌بندی شوند. فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی روشی منعطف، قوی، ساده و کارآمد برای تصمیم‌گیری است، این تکنیک براساس مقایسه‌های زوجی بنا نهاده شده و امکان بررسی سناریوهای مختلف را به «تصمیم‌گیران» می‌دهد. این روش امکان تجزیه‌وتحلیل مسائل پیچیده را به‌صورت سلسله‌مراتبی فراهم می‌کند و علاوه بر آن امکان در نظر گرفتن معیارها کمی و کیفی را در مسئله دارد (Saaty, 2000, 15). در این تحقیق برای اولویت‌بندی هرکدام از لایه‌های نمودار ۹ از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) به عنوان یک ابزار ارزیابی با نرم‌افزار Expert Choice استفاده شده است، روش کار براساس مقایسه زوجی عددی بوده و ترجیحات با استفاده از مقیاس ۹ نقطه‌ای مطابق جدول ۱ کمّی شده‌اند.

جدول ۱. مقایسه ترجیحات بین دو عنصر برای مقایسه‌های زوجی. (مأخذ: Saaty, ۲۰۰۰, ۱۶)

مقدار عددی	تعریف	توضیحات
۱	ترجیح برابر	دو سنجه اهمیت یکسانی برای نیل به هدف دارند.
۳	ترجیح متوسط	تجربیات و قضاوت به‌طور ملایم یک سنجه را به سنجه دیگر ترجیح می‌دهد.
۵	ترجیح قوی	تجربیات یا قضاوت به‌طور ویژه یا قوی، یک سنجه را به سنجه دیگر ترجیح می‌دهد.
۷	ترجیح خیلی قوی	یک سنجه به‌صورت خیلی قوی نسبت به سنجه دیگر ترجیح داده می‌شود.
۹	ترجیح بی‌نهایت	ترجیح یک سنجه نسبت به سنجه دیگر در حداکثر درجه ممکن است.
۲، ۴، ۶، ۸	مقادیر بینابینی	برای بیان ترجیحات میان مقادیر بالا است.
معکوس	ترجیحات معکوس هر مقدار	معکوس هریک برای بیان مقایسات معکوس استفاده می‌شود.

در این راستا با روش دلفی و کسب نظر از ۵ نفر از خبرگان و متخصصان حوزه معماری و شهرسازی (که شرح آن در روش تحقیق بیان شد) معیارهای اصلی در فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، انتخاب و وزن‌دهی بر مبنای جدول ۱ صورت گرفت (سنجه‌های ۵ لایه نمودار ۹). در لایه اول مؤلفه کیفی هویت‌بخش باهم مقایسه شده و نحوه پاسخ‌دهی به‌صورت بود که معیارهای به‌صورت دو به دو با توجه به اینکه کدام مورد نسبت به هدف (دسته‌بندی عناصر اسلامی- ایرانی هویت‌بخش به سیمای شهر) اهمیت بیشتری دارند مقایسه شده و عددی بر مبنای جدول ۱ استخراج گردید. بر همین اساس، مؤلفه‌ها و معیارهای چهار لایه بعدی نیز سنجیده و وزن‌دهی شدند. برای محاسبه وزن نسبی سنجه‌ها، ساعتی ۴ روش تقریبی مجموع سطری، مجموع ستونی، میانگین حسابی و میانگین هندسی را ارائه کرده است (Saaty, 2000, 36). در این بررسی میانگین هندسی استفاده شده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

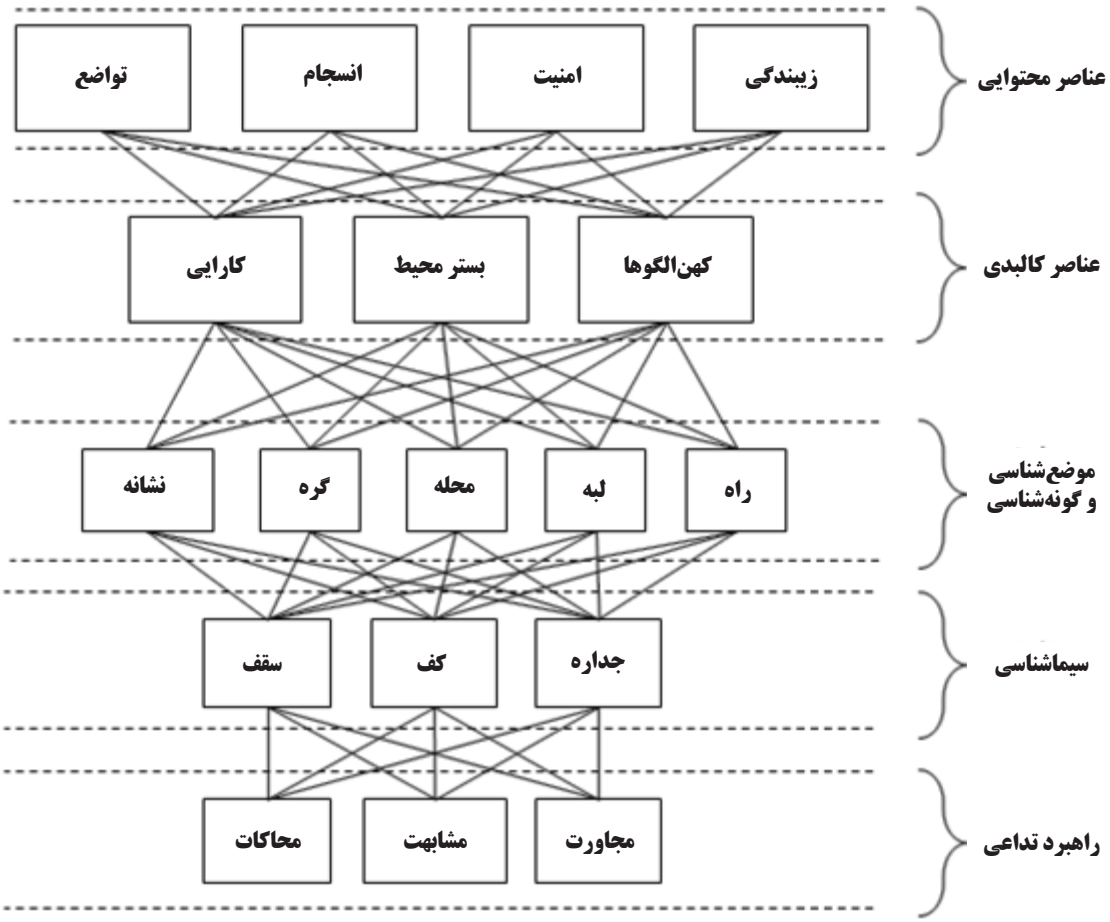

نمودار ۹. لایه‌های پنج‌گانه معیارها جهت هویت‌مندسازی عناصر شهری.

تحلیل حساسیت

تصمیم‌گیرنده باید درجه قابلیت اعتماد را برای تصمیم‌گیری نهایی بداند به دلیل وجود عدم قطعیت در مراحل مختلف تصمیم‌گیری چند شاخصه، لازم است که قبل از انتخاب گزینه نهایی تحلیل حساسیت بر روی مسأله صورت پذیرد؛ بنابراین، انجام تحلیل حساسیت بعد از حصول رتبه‌بندی گزینه‌ها صورت می‌پذیرد. این امر محاسبات مجدد رتبه‌بندی گزینه‌ها با اصلاح وزن هر معیار را شامل می‌گردد. با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice یک تحلیل حساسیت کامل قابل انجام است برای انجام این عمل در حالی که وزن معیارهای دیگر ثابت باقی‌مانده وزن یک معیار به‌صورت تدریجی افزایش یا کاهش می‌یابد بعد از انجام تحلیل حساسیت ممکن است رتبه‌بندی گزینه‌ها تغییر کند تحلیل تمام تغییرات ممکن توسط نرم‌افزار Ex-pert Choice که دارای مدول تحلیل حساسیت قدرتمند و کاربر دوستی است، انجام‌پذیر است. به‌طور کلی، استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) به جای دیگر روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره به دلایل زیر است:

۱. در این روش معیارهای کمی و کیفی در تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد (Boroushaki and Mal-czewski, 2008).
۲. روش مناسبی برای وزن‌دهی معیارها می‌باشد (قائمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۷).
۳. AHP به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند که جنبه‌های بحرانی مسأله را به داخل یک ساختار سلسله‌مراتبی وارد نموده و مطابق با مسأله ساختار سلسله‌مراتبی انعطاف‌پذیری بسازند و مسائل تصمیم‌گیری پیچیده را با قراردادن گزینه‌ها در ساختار سلسله‌مراتبی حل کنند (قائمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۷).
۴. هنگامی که یک مسأله تصمیم‌گیری به مسائل کوچک‌تر و در عین حال ساده‌تر تجزیه و ساختار

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

سلسله‌مراتبی آن ایجاد شد، آنگاه اهمیت نسبی هر یک از معیارها در هر یک از سطوح تعیین می‌شود در هر یک از این سطوح معیارها براساس میزان اثرگذاری و بر مبنای معیارهای مشخص شده در سطوح بالاتر مقایسه می‌شود (Albayrak and reinsal, 2004).

۵. در این مدل تعداد زیادی از معیارها می‌توانند در نظر گرفته شوند (قائمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۷).

۶. مقایسه زوجی در روش AHP به تصمیم‌گیرندگان اجازه می‌دهد تا وزن معیارها و یا رتبه گزینه‌ها را از ماتریس‌های مقایسه زوجی استخراج کنند (Nur et al, 2015).

۷. ساختار سلسله‌مراتبی که از طریق مقایسات زوجی قضاوت‌های مستقل ایجاد می‌گردد نسبت به تلاش‌هایی که تمامی تصمیمات و معیارها را به‌طور هم‌زمان اولویت‌بندی می‌کند دارای ترجیح است (Al-bayrak and reinsal, 2004).

۸. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی که گزینه‌های مختلف را در تصمیم‌گیری دخالت می‌دهد امکان تحلیل حساسیت روی معیارها را دارا می‌باشد (Albayrak and reinsal, 2004).

۹. یکی از ویژگی‌های مهم فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی اندازه‌گیری و کنترل سازگاری هر ماتریس و تصمیم است محدوده قابل‌قبول ناسازگاری در هر سیستم به تصمیم‌گیرنده بستگی دارد اما در حالت کلی اگر ناسازگاری تصمیم بیشتر از ۰/۱ باشد، بهتر است تصمیم‌گیرنده در قضاوت‌های خود تجدیدنظر کند، بنابراین تنها مدل تصمیم‌گیری چند معیاره است که می‌تواند سازگاری قضاوت‌های تصمیم‌گیران را اندازه‌گیری نماید (Dagdeviren and Ytiksel, 2008).

یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که بیان شد، این پژوهش در ۵ مرحله نسبت به وزن‌دهی ۵ گروه از مؤلفه‌های متجانس در ارتباط با هویت‌بخشی به سیمای شهر مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی-ایرانی پرداخت، لایه اول مرتبط با مؤلفه‌های محتوایی بود، لایه دوم به مؤلفه‌های کالبدی اختصاص داشت، لایه سوم مشخص نمود که کدام عناصر شهری می‌توانند بستر ظهور مؤلفه‌های فوق باشند (موضع و گونه)، لایه چهارم عوامل شکل‌دهنده به مؤلفه‌های لایه قبلی بود (سیما) و لایه پنجم طریقه تداعی عناصر دو لایه اول در لایه‌های سوم و چهارم را مشخص نمود.

جدول ۲. مقایسه زوجی سنجه‌های لایه اول نسبت به هم براساس نظرات خبرگان

خبرگان	معیارها	زیبندگی	امنیت	انسجام	تواضع
خبره ۱	زیبندگی	۱	۱۱/۰	۲/۰	۵
	امنیت		۱	۹	۹
	انسجام			۱	۵
	تواضع				۱
خبره ۲	زیبندگی	۱	۱۲/۰	۱۴/۰	۶
	امنیت		۱	۹	۶
	انسجام			۱	۶
	تواضع				۱
خبره ۳	زیبندگی	۱	۳۳/۰	۳۳/۰	۵
	امنیت		۱	۲	۳
	انسجام			۱	۳
	تواضع				۱
خبره ۴	زیبندگی	۱	۳۳/۰	۳۳/۰	۳
	امنیت		۱	۳	۵
	انسجام			۱	۳
	تواضع				۱
خبره ۵	زیبندگی	۱	۲/۰	۳۳/۰	۳
	امنیت		۱	۴	۹
	انسجام			۱	۳
	تواضع				۱

جدول ۳. وزن تقریبی هرکدام از مؤلفه‌های معنایی

رتبه	نام معیار	وزن معیار
۱	امنیت	۰،۵۸۶
۲	انسجام	۰،۲۳۷
۳	زیبندگی	۰،۱۲۲
۴	تواضع	۰،۰۵۵

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

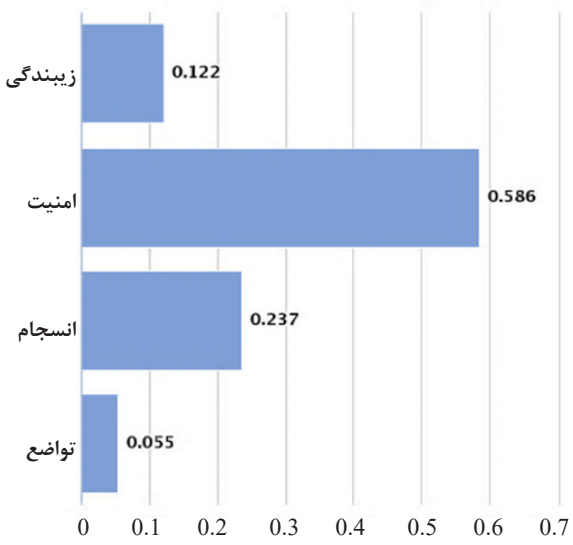

تصویر ۳. مقایسه وزنی معیارهای لایه اول نسبت به هم

انتخاب گزینه‌های برتر محتوایی در هویت‌بخشی به سیمای شهر

سنجه‌های لایه اول در انتخاب بهترین گزینه‌ها برای هویت‌بخشی به سیمای شهر شامل مؤلفه‌های کیفی زیبندگی، امنیت، انسجام و تواضع هستند، در جدول ۲ مقایسه زوجی سنجه‌ها و وزن‌دهی به آن‌ها مبتنی بر برآیند نظر خبرگان و در تصویر ۳ مقایسه نسبی وزن معیارها برهمان اساس نشان داده شده است.

همان‌طور که از جدول ۳ مشخص است براساس مؤلفه کیفی، امنیت رتبه یک را به خود اختصاص داده است و رتبه‌های بعدی به ترتیب به انسجام، زیبندگی و تواضع تعلق می‌گیرد.

به منظور ارزیابی گزینه‌ها ماتریس مقایسات زوجی مربوط به هر معیار تشکیل شد و ضمن کنترل نرخ ناسازگاری و اطمینان از قابل‌قبول بودن هر مقایسه زوجی وزن نسبی هر معیار برای گزینه‌های مختلف از طریق نرم‌افزار Expert Choice نمایان روی عدد ۰/۰۵۷ شد (سازگار).

انتخاب گزینه‌های برتر کالبدی در هویت‌بخشی به سیمای شهر

همان‌گونه که بیان شد، در لایه دوم ۳ سنجه شامل استفاده از کهن‌الگوها، توجه به عوامل محیطی و کارایی به دست آمد. جدول شماره ۴ مقایسه زوجی وزن سنجه‌ها نسبت به هم را نشان داده است، تصویر ۴ نیز مقایسه وزنی آن‌ها را نشان می‌دهد. نرخ سازگاری این لایه صفر به دست آمد (سازگار).

جدول ۴. مقایسه زوجی سنجه‌های لایه دوم نسبت به هم براساس نظرات خبرگان

خبرگان	معیارها	کهن‌الگوها	عوامل محیطی بستر	کارایی
خبره ۱	کهن‌الگوها	۱	۵	۳
	عوامل محیطی بستر		۱	۵/۰
	کارایی			۱
خبره ۲	کهن‌الگوها	۱	۹	۵
	عوامل محیطی بستر		۱	۳۳/۰
	کارایی			۱
خبره ۳	کهن‌الگوها	۱	۳	۲
	عوامل محیطی بستر		۱	۱
	کارایی			۱
خبره ۴	کهن‌الگوها	۱	۱	۳
	عوامل محیطی بستر		۱	۲
	کارایی			۱
خبره ۵	کهن‌الگوها	۱	۳	۱
	عوامل محیطی بستر		۱	۳۳/۰
	کارایی			۱

جدول ۵. وزن تقریبی هرکدام از مؤلفه‌های کالبدی

رتبه	نام معیار	وزن معیار
۱	کهن‌الگو	۰,۵۸۴
۲	کارایی	۰,۲۴۹
۳	بستر	۰,۱۶۸

همان‌طور که از جدول ۵ مشخص است در بین مؤلفه‌های کالبدی استفاده از کهن‌الگو رتبه یک را به خود اختصاص داده است. رتبه‌های بعدی به ترتیب به کارایی و بستر تعلق می‌گیرد.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

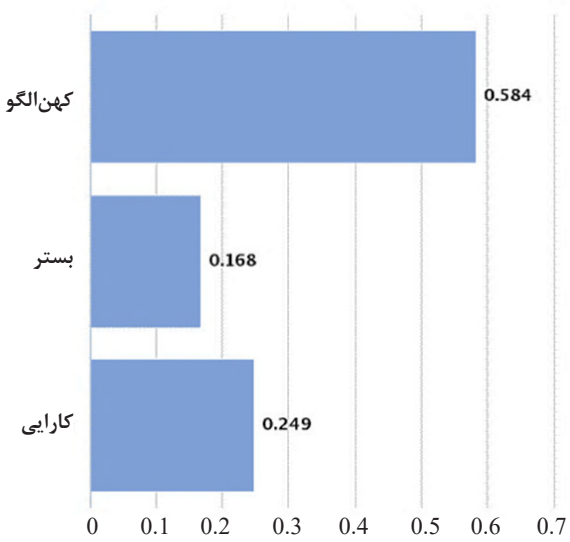

تصویر ۴. مقایسه وزنی معیارهای لایه دوم نسبت به هم

انتخاب گزینه‌های برتر بین عناصر کالبدی شهر به عنوان بستر مؤلفه‌های معنایی و کالبدی

لایه سوم، ۵ عنصر کالبدی که سازنده ساختار شهر هستند و بستر ظهور مؤلفه‌های محتوایی یا کالبدی مرحله قبل معرفی شدند، این ۵ عنصر شامل راه، لبه، محله، گره و نشانه هستند. در جدول ۶ مقایسه زوجی این عناصر برای پیدا کردن سنگین‌ترین عنصر جهت ایجاد بستر تجلی مؤلفه‌های مرحله قبلی مشخص شده است. تصویر ۵ نیز مقایسه وزنی معیارهای لایه سوم را معرفی می‌نماید. نرم‌افزار عدد ۰/۰۳۳ را برای سازگاری سنجه‌ها نشان داد (سازگار).

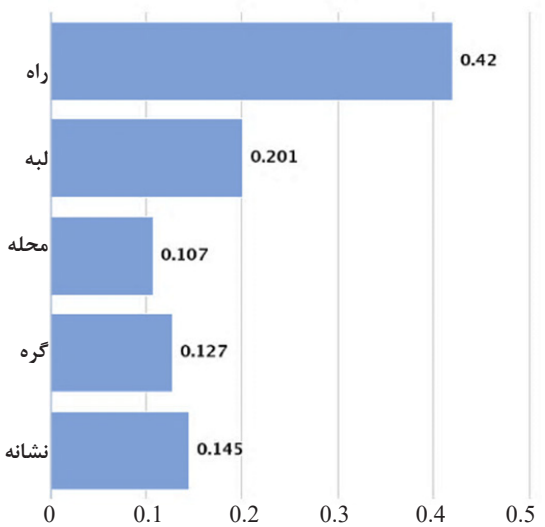

تصویر ۵. مقایسه وزنی معیارهای لایه سوم نسبت به هم

جدول ۶. مقایسه زوجی سنجه‌های لایه سوم نسبت به هم براساس نظرات خبرگان

خبرگان	عناصر	راه	لبه	محله	گره	نشانه
خبره ۱	راه	۱	۵	۵	۵	۳
	لبه		۱	۳	۲	۳
	محله			۱	۲/۰	۳۳/۰
	گره				۱	۳
	نشانه					۱
خبره ۲	راه		۸	۲	۲	۳
	لبه			۲	۲	۲
	محله				۹	۹
	گره					۹
	نشانه					
خبره ۳	راه		۱	۱	۳	۱
	لبه			۱	۱	۳
	محله				۱	۵
	گره					۱
	نشانه					
خبره ٤	راه		۳	۹	۲	۳
	لبه			۹	۳	۳
	محله				۳	۲/۰
	گره					۵/۰
	نشانه					
خبره ۵	راه		۵	۵	۳	۱
	لبه			۳	۱	۲/۰
	محله				۳۳/۰	۱۱/۰
	گره					۳۳/۰
	نشانه					

جدول ۷. بررسی نرخ سازگاری مؤلفه‌های لایه سوم

رتبه	نام معیار	وزن معیار
۱	راه	۰,۴۲
۲	لبه	۰,۲۰۱
۳	نشانه	۰,۱۴۵
۴	گره	۰,۱۲۷
۵	محله	۰,۱۰۷

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

همان‌طور که از جدول ۷ مشخص است مهم‌ترین عنصر شهری، راه بوده و رتبه‌های بعدی به ترتیب به لبه، نشانه، گره و محله تعلق می‌گیرد.

انتخاب گزینه‌های برتر از بین عوامل سازنده عناصر شهری

براساس بررسی‌های انجام شده، هر عنصر شهری متشکل از سه عامل کف، جداره و سقف (خط آسمان) معرفی شد، هرکدام از این عناصر در نمایش مؤلفه‌های هویت‌مند کارکرد متفاوتی دارند، بنابراین در لایه چهارم وزن‌دهی این عناصر اهمیت پیدا می‌کند. جدول شماره ۸ مقایسه زوجی میان این عوامل را نشان می‌دهد، در تصویر ۶ نیز مقایسه وزنی بین مؤلفه‌های این لایه ظاهر شده است، جدول ۹ نیز نرخ سازگاری آن‌ها را نمایان کرده است.

تصویر ۶. مقایسه وزنی معیارهای لایه چهارم نسبت به هم

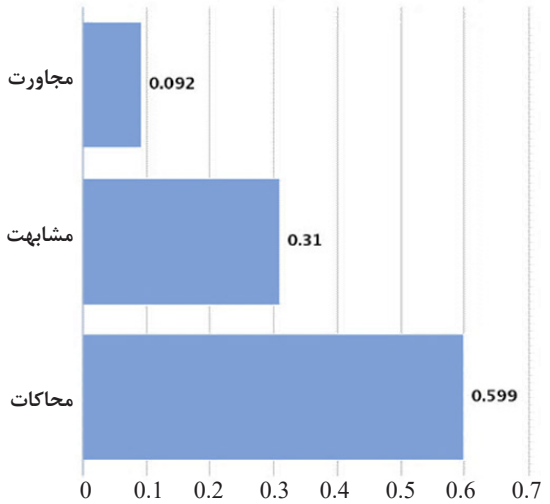

تصویر ۷. مقایسه وزنی معیارهای لایه چهارم نسبت به هم.

جدول ۸. مقایسه زوجی سنجه‌های لایه چهارم نسبت به هم براساس برآیند نظرات خبرگان

خبرگان	عناصر	کف	جداره	سقف (خط آسمان)
خبره ۱	کف	۱	۱۱/۰	۲/۰
	جداره		۱	۵
	سقف (خط آسمان)			۱
خبره ۲	کف	۱	۱۱/۰	۵/۰
	جداره		۱	۹
	سقف (خط آسمان)			۱
خبره ۳	کف	۱	۱۱/۰	۲/۰
	جداره		۱	۵
	سقف (خط آسمان)			۱
خبره ٤	کف	۱	۱۱/۰	۵/۰
	جداره		۱	۵
	سقف (خط آسمان)			۱
خبره ۵	کف	۱	۱۱/۰	۳۳/۰
	جداره		۱	۵
	سقف (خط آسمان)			۱

جدول ۹. وزن تقریبی هرکدام از مؤلفه‌های لایه چهارم

رتبه	نام معیار	وزن معیار
۱	جداره	۰,۷۶۳
۲	خط آسمان	۰,۱۷
۳	کف	۰,۰۶۸

مطابق با بررسی‌های لایه سوم مشخص شد که مهم‌ترین سنجه در این مرحله جداره بوده و پس از آن مؤلفه خط آسمان و کف در رده‌های بعدی هستند.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

انتخاب گزینه‌های برتر بین عناصر کالبدی شهر به عنوان بستر مؤلفه‌های معنایی و کالبدی

براساس بررسی‌های انجام شده، سه طریق برای تداعی مؤلفه‌های هویت‌بخش به عناصر و عوامل شهری وجود داشت، این سه راهبرد شامل مجاورت، مشابهت و محاکات هستند. در جدول ۱۰ مقایسه زوجی میان این سنجه‌هاست، تصویر ۷ نیز به مقایسه وزنی میان آن‌ها اختصاص پیدا کرده است، سازگاری این مؤلفه‌ها ۰/۰۳۷ می‌باشد (سازگار).

جدول ۱۰. مقایسه زوجی سنجه‌های لایه چهارم نسبت به هم براساس برآیند نظرات خبرگان

خبرگان	عناصر	مجاورت	تشابه	محاکات
خبره ۱	مجاورت	۱	۲/۰	۲/۰
	تشابه		۱	۲/۰
	محاکات			۱
خبره ۲	مجاورت	۱	۲/۰	۲/۰
	تشابه		۱	۴
	محاکات			۱
خبره ۳	مجاورت	۱	۳۳/۰	۲/۰
	تشابه		۱	۳۳/۰
	محاکات			۱
خبره ٤	مجاورت	۱	۲۵/۰	۱۱/۰
	تشابه		۱	۲/۰
	محاکات			۱
خبره ۵	مجاورت	۱	۳۳/۰	۲/۰
	تشابه		۱	۳۳/۰
	محاکات			۱

جدول ۱۱. بررسی نرخ سازگاری مؤلفه‌های لایه چهارم

رتبه	نام معیار	وزن معیار
۱	محاکات	۰,۵۹۹
۲	مشابهت	۰,۳۱
۳	مجاورت	۰,۰۹۲

مطابق با جدول ۱۱ مشخص شد که مهم‌ترین سنجه در این مرحله محاکات و پس از آن مؤلفه‌های مشابهت و مجاورت می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این تحقیق شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اسلامی- ایرانی برای هویت‌بخشی به فضاهای شهری بیان شده بود، در این مسیر دو گام اصلی در چهار مرحله فرعی ترسیم شد، گام اول که خود شامل سه مرحله بود، در ابتدای کار مؤلفه‌های محتوایی و کالبدی اسلامی- ایرانی که قابلیت تداعی تصویر ذهنی برای مخاطبان را داشتند معرفی نمود، سنجه‌های محتوایی این مرحله شامل نظم، امنیت، زیبایی و کمال‌گرائی، هم‌پیوندی و هماهنگی، تعادل و تناسب، احتراز از کبر و تبرج، رعایت حجاب و محرمیت، رعایت سلسله‌مراتب و وحدت در عین کثرت معرفی شدند که در چهار دسته کلی‌تر با عنوان‌های زیبندگی، امنیت، انسجام و تواضع قرار گرفتند. عناصر کالبدی هویت‌ساز نیز شامل پرهیز از بیهودگی، استفاده بجا از تزئینات، خودبسندگی، نیارش، مردم‌واری، درون‌گرائی، معماری بومی و زمینه‌گرا، کاربست نمادهای محلی و الگوهای کهن در سه دسته بزرگ‌تر کارایی، کهن‌الگویی و توجه به بستر بیان گردید که می‌توانند عواملی مؤثر بر تداعی تصاویر ذهنی مخاطبان و شهروندان باشند؛ یعنی در مرحله اول «چیستی عناصر هویت‌ساز» مشخص شد و مرحله دوم (از گام اول) عناصر شهری و عوامل سازنده آن معرفی گردید و بیان شد که عناصر شهری شامل راه، لبه، محله، گره و نشانه هستند و عوامل سازنده آن‌ها کف، جداره و سقفشان (خط آسمانشان) است. مطالعات این مرحله «کجایی تجلی عناصر هویت‌ساز» را معرفی کرد. مرحله سوم (از گام اول) طریقه تداعی عناصر هویت‌ساز در عناصر و عوامل شهری بود و گفته شد که سه راهبرد مجاورت، مشابهت و محاکات در این زمینه می‌توانند کارا باشند؛ یعنی مطالعات این مرحله چگونگی تجلی را مشخص کرد. در گام دوم پژوهش سنجه‌های یافت شده از گام قبلی اولویت‌بندی شدند، این سنجه‌ها در پنج لایه مطابق آنچه که بیان شد با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) موردبررسی قرار گرفت و مشخص شد که مؤلفه‌ی «امنیت» در لایه اول، «کهن‌الگو» در لایه دوم، «راه» در لایه سوم، «جداره» در لایه چهارم و «محاکات» در لایه پنجم سنگین‌ترین مؤلفه‌ها بوده‌اند، یعنی مهم‌ترین مؤلفه برای شهر هویت‌مند توجه به امنیت (کالبدی و محتوایی) آن شهر است، این گزاره با آیه ۳ از سوره تین (وَهَذَا الْبَلَدِ الأَمِينِ) که قسم به امنیت شهر خورده است دارد. علاوه بر امنیت بازنمایی و محاکات الگوهای کهن در جداره‌های شهری موجب هویت‌مند شدن آن شهر می‌گردد. در نمودار ۱۰ می‌توان مسیر اصلی را مشاهده کرد.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

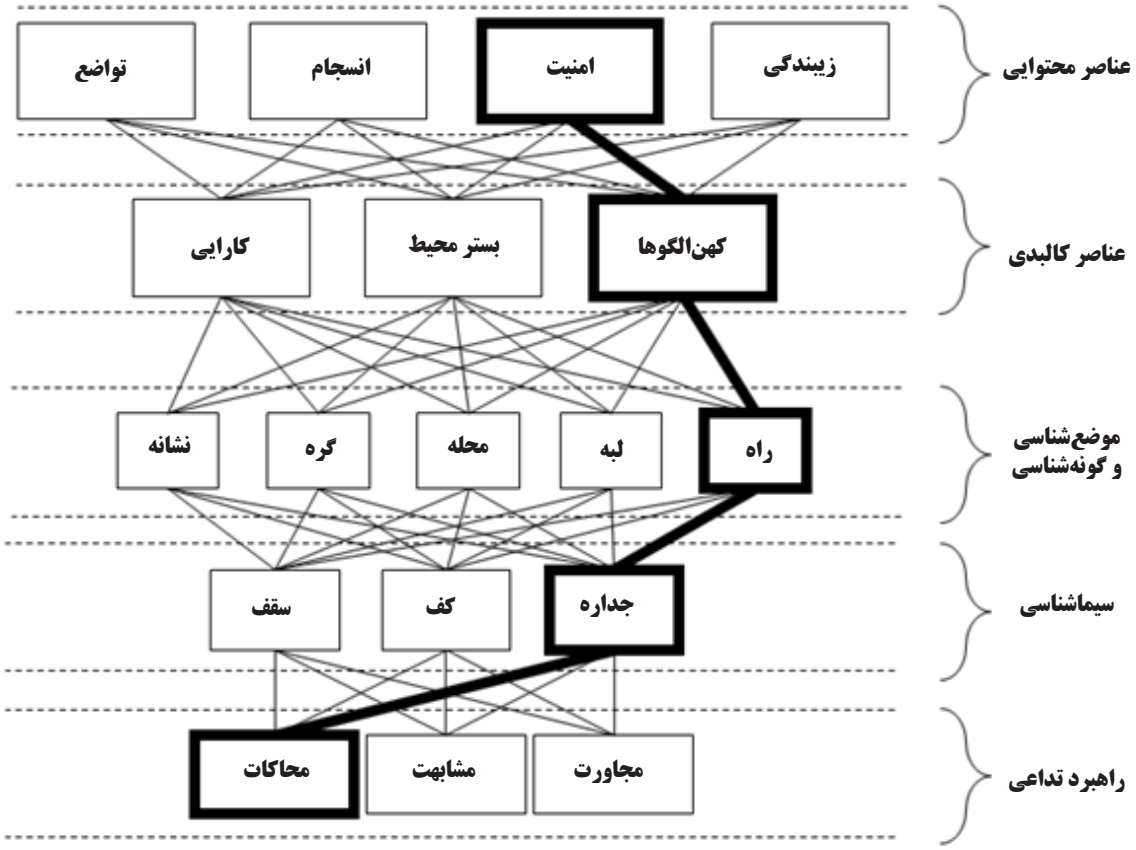

نمودار ۱۰. برای اولویت‌بندی عناصر شهری، مهم‌ترین مؤلفه محتوایی امنیت، مهم‌ترین مؤلفه کالبدی استفاده از الگوهای کهن، مهم‌ترین موضع راه، مهم‌ترین عنصر در راه، جداره و مهم‌ترین طریقه تداعی محاکات است.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024

منابع

- ابل، کریس. (۱۳۸۷) معماری و هویت، ترجمه فرح حبیب. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۹۰). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اردلان، نادر. بختیار، لاله. (۱۳۹۳). حس وحدت، ترجمه ونداد جلیلی. تهران: علم معمار.
- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۸). تداوم هویت در منظر شهری. باغ نظر، ۱۲(۶)، ۴۵-۵۶.
- بحرینی، سیدحسین. (۱۳۹۲). تحلیل فضاهای شهری: در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بستانی، محمود. (۱۴۲۲). المنهج البنائی فی تفسیر. قم: دارالهادی.
- بل، سایمون. (۱۳۸۲). منظر، ادراک، الگو، فرآیند، ترجمه بهناز امین‌زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بور، والتر. (۱۳۷۵). شهر و مسئله تشخص، ترجمه مهرناز مولوی، مجله آبادی، ۶(۲۲)، ۲۸-۳۳.
- بهنود، الناز. (۱۴۰۱). بررسی مفهوم آرکی‌تایپ و بازتاب آن در معماری. مطالعات بین‌رشته‌ای در تعالی معماری و شهرسازی. ۱(۲)، ۲۵۱-۲۷۷.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۷۵). هویت و این‌همانی با فضا. صفه، ۶(۲۲-۲۱)، ۹۵-۱۱۸.
- تقوائی، سید حسین. (۱۳۹۱). از سبک تا هویت در معماری، هنرهای زیبا، ۱۷(۲)، ۶۵-۷۳.
- چری، ادیث. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی برای طراحی از تئوری تا عمل، ترجمه شهناز پورناصری. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حجت، عیسی. (۱۳۸۴). هویت انسان‌ساز، انسان هویت پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری). هنرهای زیبا، ۲۴(۲)، ۵۵-۶۲.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۹۵). روش تحقیق گراندی. تهران: فوژان.
- خسروی، محمدباقر. بمانیان، محمدرضا. سیغیان، محمدکاظم. (۱۳۹۱). نقش هویت‌ساز قاعده لاضرر در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی. نقش جهان، ۳(۱)، ۱۹-۳۰.
- دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۳). درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان‌ساخت، باغ نظر، ۱(۱)، ۵۹-۷۰.
- دورانت، ویلیام جمیز. (۱۳۸۰). مشرق زمین، ترجمه احمد آرام، عسکری پاشایی، امیرحسین آریانپور. تهران: انتشارات علمی و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]

فرهنگی.
- سلسله، علی. سلسله، محسن. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر عامل هویت (ایرانی، اسلامی) بر زیبایی شهر، آرمانشهر، ۲(۲)، ۴۷-۵۸.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸). نقد ادبی. تهران: نشر میترا.
- شولتز، کریستیان نوربری. (۱۳۹۵). مفهوم سکونت، ترجمه محمود امیریاراحمدی. تهران: نشر آگه.
- ضمیران، محمد. (۱۳۷۹). گذر از جهان اسطوره به فلسفه. تهران: هرمس.
- طبسی، محسن. (۱۳۸۶). بازتاب هویت ایرانی در معماری اسلامی ایران، از هویت ایرانی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- العاملی، سید جعفر مرتضی. (۲۰۰۹). تخطیط المدن فی الاسلام. بیروت: مرکز الاسلامی للدراسات.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- قاسمی اصفهانی، مروارید. (۱۳۹۴). اهل کجا هستیم. تهران: روزنه.
- قائمی، پونه. شبیری، سیدمحمد. لاریجانی، مریم. بهروز رکرک. (۱۳۹۵). ارزیابی روش‌های آموزش محیط‌زیست براساس مدل AHP. آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار. ۳(۴). ۳۳-۴۴.
- کاسیرر، ارنست. (۱۳۷۸). فلسفه صورت‌های سمبلیک، ترجمه یدالله موقن. تهران: هرمس.
- کالن، گوردون. (۱۳۹۵). گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کامل‌نیا، حامد. (۱۳۸۴). هویت زدایی از معماری، مجله آبادی، ۴۸(۱۵)، ۶۴-۷۰.
- کورئا، چالز. (۱۳۸۷). در جستجوی هویت، ترجمه ابوالفضل توکلی شاندیز. آینه خیال، ۹(۲)، ۸۲-۸۳.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۵). زبان الگو، ترجمه رضا کربلایی نوری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
- گروتر، یورگ کورت. (۱۳۹۰). زیبایی‌شناسی در معماری. ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات شهید بهشتی.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۷). محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار. علوم محیطی، ۴(۵)، ۹۵-۱۱۴.
- لبیب‌زاده، راضیه. (۱۴۰۱). مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی داخلی مبتنی بر هویت اسلامی- ایرانی. مطالعات ملی، ۲۳(۹۲)، ۱۹۳-۲۱۲.
- لینچ، کوین. (۱۳۹۵). سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۳). نقدی بر بیانیه سیما و منظر شهری: تجارب جهانی و چشم‌اندازهای آینده. باغ نظر، ۲(۱)، ۹۲-۹۶.
- نقره‌کار، عبدالحمید. علی‌الحسابی، مهران. (۱۳۹۶). تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات فکر نو.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۷۹). رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی، هنرهای زیبا، ۷(۷)، ۷۹-۹۱.

- Albayrak, E., and Erensal, Y. C. (2004). Using analytic hierarchy process (AHP) to improve human performance. An application of multiple criteria decision making problem. Journal of Intelligent Manufacturing. 15. 491–503
- Boroushaki, S., and Malczewski, J. (2008). Implementing an extension of the analytical hierarchy process using ordered weighted averaging operators with fuzzy quantifiers in ArcGIS. Computers and Geosciences. (34). 399-410.
- Dagdeviren, M., and Yüksel, I. (2008). Develop-ing a fuzzy analytic hierarchy process (AHP) model for behavior-based safety management. Information Science. 178. 1717–1733.
- Nur, I. N., Noraini, H. and Zanariah, M.Y. (2015). Selecting best employee of the year using analytical hierarchy process. Journal of Basic and Applied Scientific Research. 5(11). 72-76.
- Saaty, T.L. (2000). Fundamentals of decision making and priority theory. PA: RWS Publication.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-10]